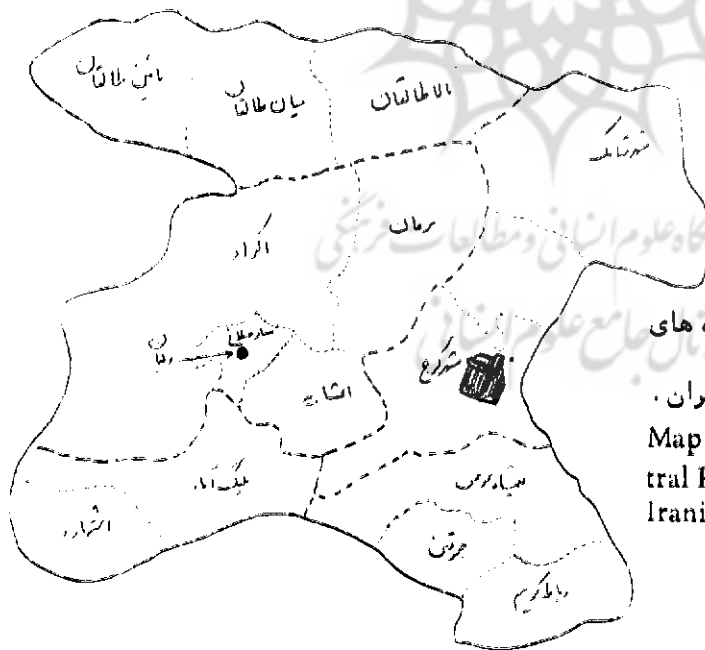


سلمان‌نقش آن در روستای ولیان (۱)

محمد میرشکرائی

ده " ولیان - velyân " در حدود سی کیلومتری شمال غربی شهر کرج قرار گرفته و از توابع بخش ساوجبلاغ شهرستان کرج است. خانه‌های ده بر روی پشته‌ای از دامنه‌های البرز و مشرف بر نهری است که " رودخانه ولیان " نامیده می‌شود. چند رشته تپه‌های کوچک و بزرگ در جنوب ده، ولیان را از دشت ساوجبلاغ جدا می‌کند. یک جاده باریک از - لابلای این تپه‌ها می‌گذرد و پس از حدود هیجده کیلومتر راه در فاصله دوازده کیلومتری کرج به جاده کرج - قزوین می‌پیوندد.

ولیان از لحاظ وسعت و جمعیت از همه دهات اطرافش بزرگتر است. هزار و چهارصد نفر جمعیت آن در دویست و سی خانوار زندگی می‌کنند. تا بیست سی سال پیش مردم



نقشه شهرستان کرج - مجموعه نقشه‌های استان مرکزی.

جلد پنجم - سال ۱۳۴۹ - مرکز آمار ایران.

Map of Karaj - Old Maps of the Central Province The Fifth Volume 1970 Iranian Statistical Center

- ۱ - این تحقیق در فروردین ماه سال ۱۳۵۳ انجام شده است.
- ۲ - آمار بالا در فروردین ماه سال ۱۳۵۳ از انجمن ده ولیان گرفته شده است. برابر سرشماری عمومی سال ۱۳۴۵ جمعیت ولیان ۱۱۹۶ نفر و ۲۴۸ خانوار است. نشریه شماره ۶ مرکز آمار ایران - شهریور ماه سال ۱۳۴۹ - ص ۱۵۹.

ولیان بیشتر با شهسوار رابطه اقتصادی داشته‌اند، و شاید آمیختگی گویش ولیانی با مازندرانی به این سبب باشد.

عمده‌ترین شئون معیشت در این ده باغداری، دامداری و کشاورزی است. مهمترین محصولات باغداری که اغلب صادر می‌شود توت، سیب، آلبالو و گردو است. شیر دامها به کرج و تهران صادر می‌شود و به سبب نزدیکی راه شیر را می‌توانند تازه به بازار برسانند. کشاورزی که مستی برگندمکاری است محصول زیادی ندارد، در بعضی سالها محصول گندم حتی کفاف نیاز خود مردم را هم نمی‌دهد و آن را از دیگر نقاط وارد می‌کنند.

به ترتیب اهمیت باغداری، دامداری و کشاورزی، باغداران، دامداران، و کشاورزان قشرهای عمده مردم ولیان را تشکیل می‌دهند. ده پانزده خانوار از این قشرها در ده همراه با باغداری، دامداری و کشاورزی، دکانداری هم می‌کنند. برای قشرهای سه گانه باید قشر کارگران روستا را افزود، که مالکیتی بر هیچ یک از ابزار تولید ندارند.^۳

در میان قشر اخیر کسانی چون سلمانی، حمامی و چوپان که در اصطلاح محلی - "کاسبکار" نامیده می‌شوند، چون کارشان و نحوه عرصه آن به همه مردم ده مربوط می‌شود از دیر باز با رای عموم و مشورت همگان انتخاب می‌شوند. معمولاً کسانی داوطلب این مشاغل می‌شوند که یا اصلاً "باغ و دام و زمین ندارند و یا کم دارند و دارای بضاعت چندانی نیستند. از قدیم رسم بوده است که در یکی از روزهای نوروز طی مراسمی جشن گونه و - همراه با ساز و دهل، مردان و بویژه ریش سفیدان ده در جایی مثلاً "در منزل یک ریش سفید یا حای دیگر جمع می‌شده‌اند و پس از انتخاب کاسبکاران با آنها قرارداد می‌بسته‌اند و یا



اصلاح سر و صورت .
Shaving of Face
and Head

۳ - این قشرها کاملاً از یکدیگر قابل تفکیک نیستند، چون آنکه کشاورز است تعدادی - هم دام دارد. آنکه باغدار است، صاحب زمین و دام هم می‌باشد و دامداران هم نکه باغ و زمینی دارند.

تجدید قرارداد می‌کرده‌اند. در سالهای اخیر این رسم چهره جشن گونه خود را از دست داده است. به جای ریش سفیدان هم انحن ده وظیفه تعیین و انتخاب کاسکاران را بر عهده گرفته است.

از میان این کاسکاران سلمانی یا به گویش ولیانی "dallâk" نقش اجتماعی ویژه‌ای دارد و به همین ملاحظه موضوع بحث در این مقاله قرار گرفته است. سلمانی علاوه بر وظیفه اصلی خود که آرایشگری است، به کارهای دیگری هم می‌پردازد. در مراسم عروسی و در مجالس پرسه (ختم) نقش برگزارکننده مجلس را برعهده دارد. پسرچه‌ها را ختنه می‌کند، دندان می‌کشد، زخم معالجه می‌کند، حمامت و بادکش می‌کند، گارد و چاقو و فندشکن تیز می‌کند، در حمام کیسه می‌کشد و گاهی هم مرده می‌شوید^۴ در مراسم عروسی - سلمانی با نظر صاحب مجلس سیاهه (صورت) اسامی کسانی را که باید دعوت شوند، تهیه و خودش آنها را دعوت می‌کند. در مراسم "پس شام pas šâm" که دوبار، یکی در دو شب قبل از عروسی در خانه داماد و دیگری شب - پیش از عروسی در خانه عروس برگزار می‌شود، وظیفه پذیرایی و چیدن و برچیدن سفره شام با اوست. سلمانی در آئین "سرتراشی" که طی آن با تشریفات ویژه‌ای سرداماد رامی تراشد یا اصلاح می‌کند، علاوه بر آنکه وظیفه اصلی خود یعنی تراشیدن یا آرایش سرداماد را انجام می‌دهد به پذیرایی مدعوین هم می‌پردازد. با داماد به حمام می‌رود و داماد را کیسه می‌کشد و داماد و همراهان او مبلغی در حدود پانزده بیست تومان یا بیشتر به او انعام می‌دهند. مبلغ این انعام به بنیه مالی و شان اجتماعی داماد و دست و دل بازی او بستگی دارد. این پول میان سلمانی و حمامی تقسیم می‌شود. نظارت بر کلیده مخرج شام و ناهار مراسم عروسی و چیدن و برچیدن سفره غذا و پذیرایی میهمانان و جمع کردن پولهایی که میهمانان برای عروس و داماد می‌دهند، با سلمانی است. خانواده داماد در برابر انجام این کارها انعام به سلمانی میدهد.

در مجالس پرسه (ختم) - سلمانی مردم را به چای و قلیان و سیگار و گاه قهوه - پذیرایی می‌کند، به آنها گلاب تعارف می‌کند و جزوه‌های قرآن را پخش می‌کند و اگر شام و ناهاری در کار باشد، از مدعوین پذیرایی می‌کند.

دندان کشیدن - مردم برای دندان کشیدن و معالجه دندان از قدیم به سلمانی مراجعه می‌کرده‌اند. او با "کلبتین" و به اصطلاح محلی "کلبتنگ - kalbateng" (طرح شماره ۱) دندان می‌کشیده است. با امکانات جدید بهداشتی در ده بتدریج سلمانی این کار خود را از دست می‌دهد و کمتر مردم برای دندان کشیدن و معالجه دندان

۴ - در بیشتر دهات و شهرهای کوچک ایران از قدیم سلمانی‌ها چنین وظایفی را برعهده داشته‌اند. در بیت زیر نام ابزارهای کار سلمانی‌ها، گویای تغلیبهای مختلف است که بر عهده داشته‌اند.

این بیت از قطعه شعری است که در معرفی صنف سلمانی در محاسن سخنوری دوره - صفویه خوانده می‌شده است.

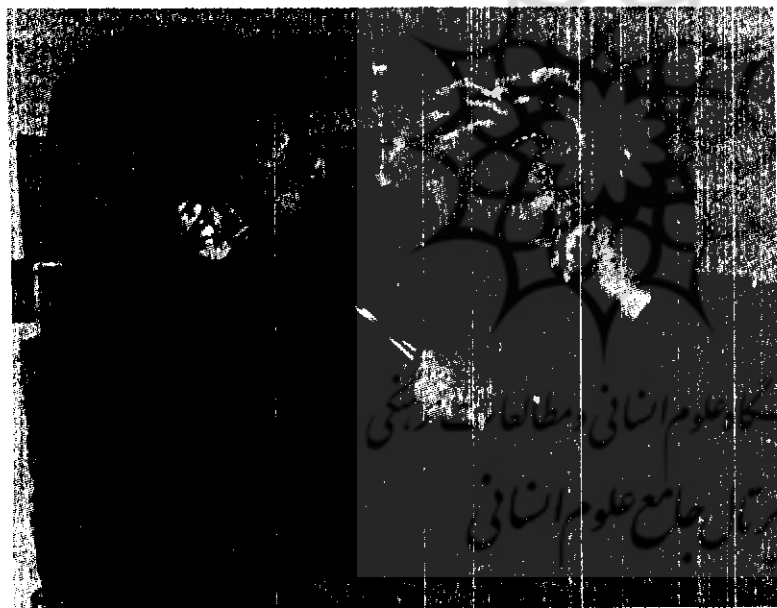
سنگ و تیغ و نمشتر و مراض و لنگ و آبه کلبتین و جام و چرخ تسمه ناخن گیردان
دکتر محمدجعفر محبوب، سخنوری، سخن، دوره نهم شماره هفتم - ص ۶۳۲
(در قدیم ناخن گرفتن هم از جمله وظایف سلمانی‌ها بوده است و ناخن گیر از جمله ابزار کارشان، شاردن - سفرنامه - جلد چهارم - ص ۳۴۸).

به او مراجعه می کنند .

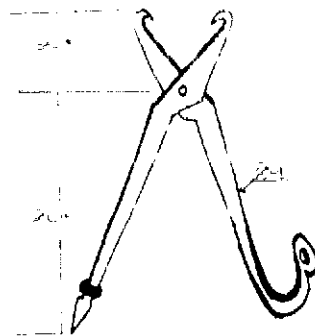
کیسه کشی - در قدیم سلمانی (دلاک) در حمام سر مردم را می تراشیده و صورت آنها را اصلاح می کرده است و مردم را کیسه هم می کشیده است ، ولی امروزه به جهت



معاینه دندان .
Examination of
Teeth



کشیدن دندان .
Pulling Teeth



طرح شماره ۱ کلستنگ

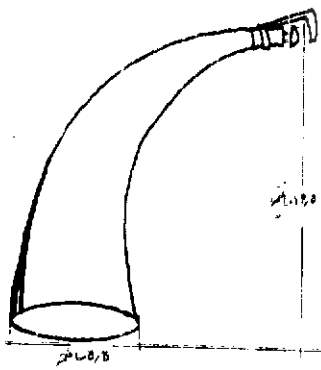
Design 1 - "Kalbatang"

بالا رفتن شان اجتماعیش ، دیگر کیسه نمی‌کشد . حالا دیگر کیسه کشی سلمانی فقط اختصاص به مراسم عروسی دارد و فقط داماد را در حمام کیسه می‌کشد .

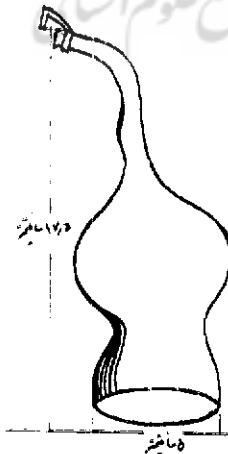
ختنه - ختنه پسر بچه‌ها هم از وظایف سلمانی است . پسران از نظر سنتی معمولاً از یک ماهگی تا شش ماهگی ، یا از دو تا هفت سالگی ختنه می‌شوند . مناسب‌ترین فصل از نظر شرایط هوا ، برای ختنه کردن ، بهار و پاییز است . ختنه را به اصطلاح محلی " سنت " می‌نامند . ابزار کار ختنه‌گری " قمیش - gamiš " (طرح های شماره ۲ و ۳) " میله - mīle " (طرح شماره ۴) و " تیغ - tig " است . سلمانی کودک را با دستپاری دو نفر ، یک همکار و یک شاگرد ختنه می‌کند .

حجامت - حجامت یا خون گرفتن نیز از جمله وظایف پزشکی سلمانی بوده است . مردم این کار را سنت پیغمبر می‌دانند و در سالهای گذشته کودکان را وقتی به سن هفت هشت سالگی می‌رسیدند و تاب از دست دادن مقداری خون را داشتند ، یک بار حجامت می‌کردند . این کار شیوه‌ای خاص دارد و بوسیله یک تیغ انجام می‌شود . حجامتگر باید مهارت بسیار داشته باشد . او معمولاً " میان دو کتف را تیغ می‌زند و مقداری خون از - تن کودک بیرون می‌کشد . جای خراشهای تیغ بر روی پوست بدن به صورت خطوط موازی و نزدیک هم و موازی ستون فقرات باقی می‌ماند . کسانی را هم که نشان جوش می‌زده است ، با تشخیص می‌داده‌اند خونشان کشیف است ، حجامت می‌کرده‌اند .

بادکش کردن - در پزشکی عامیانه اعتقاد به وجود بادهای زیانمند در بدن انسان ، برای خود جایی دارد . بادکش کردن به منظور دفع این بادهای انجام می‌شده است و هنوز هم تا حدودی معمول است . بادکش کردن با ابزاری از جنس شاخ گاو به نام " شاخ šâx " (طرح شماره ۵) انجام می‌گیرد و گاهی از شاخ شیشه‌ای (طرح شماره ۶) استفاده می‌شود . سلمانی شاخ را که لوله‌ای شیبوری شکل و نیم خمیده است ، از دهانه‌ی گشاد آن بر پشت بیمار قرار می‌دهد و دهانه‌ی تنگ آن را در دهان می‌گذارد و هوای داخل آن را می‌مکد . بعد با سستی چرمی که بر روی شاخ تعبیه شده است ، دهانه تنگ را می‌بندد . به این ترتیب ناحیه‌ای از پوست بدن که در زیر دهانه شاخ قرار دارد ، در داخل شاخ که از هوا



Design 5 - A Horn طرح شماره ۵ شاخ



طرح شماره ۶ شاخ شیشه‌ای
Design 6 - A Horn of Glass



طرح شماره ۴ میله
Design 4 - A Rod



طرح شماره ۳ قمیش
Design 3 - "Ghamish"



طرح شماره ۲ قمیش از طرف داخل ،
Design 2 - "Ghamish" from the Inside

خالی شده است ، پف می‌کند و بالا می‌آید . سلمانی پس از چند دقیقه شاخ را بیکباره از جا می‌کند . به اعتقاد بسیاری از مردم ، این کار موجب سلامت و دفع بادهای مضر از بدن می‌شود . بادکشی معمولاً " با حجامت انجام می‌شود ، اما به تنهایی هم ممکن است انجام بگیرد .

معالجهٔ زخمسم - معالجهٔ زخمها هم از وظایف سنتی سلمانی است . زخمهایی را که چرک در آن به مقدار زیادی جمع شده و نزدیک به سر باز کردن باشند ، بیشتر می‌زند تا چرکهای آن زودتر خارج شود . وسیلهٔ این کار تیغهٔ چاقویی است که سر آن را مانند سورن تیز کرده‌اند و " نبشتر - ništār " یا بطور خلاصه " نبش - niš " نامیده می‌شود .



بادکشی کردن .
 "Bad-Kesh Kardan"
 (Cupping)

چاقو تیز کردن - تیز کردن کارد ، چاقو ، قندشکن ، قیچی و ابزارهای برنده دیگر هم از وظایف سنتی سلمانی است . وسیلهٔ تیز کردن اینگونه چیزها چرخ تسمه‌ای است که در عکس نشان داده شده .

مرده‌شویی - سلمانی در گذشته وظیفهٔ شستشوی مرده را هم بر عهده داشت . اتفاقاً یکی از دو سلمانی امروزی ولیان به لحاظ داشتن سواد به اصطلاح قرآنی ، نماز میت هم می‌خواند . اما بطور کلی به سبب برخی دگرگونیهای اجتماعی ونیز به سبب تغییر موقعیت اجتماعی سلمانی نسبت به گذشته ، امروزه کمتر ممکن است چنین کاری انجام دهد .

در ولیان دو سلمانی مردکار می‌کنند که برادران ناتنی از مادر جدایند . در عروسی‌ها خانواده داماد مشتری هر سلمانی که باشد ، سلمانی آنها وظایف یاد شده در عروسی را بر عهده می‌گیرد . در سوگواری‌ها نیز چنین است ؛ خانواده عزادار مشتری هر سلمانی که

باشد ، او در مجلس ختم از مردم پذیرایی می‌کند . بر خلاف کاسبکاران دیگر ، سلمانیگری از سه نسل پیش در خانواده دو سلمانی امروزی معمول شده و تا این روزگار ادامه یافته است و هر سال در مراسم انتخاب کاسبکاران با ایشان تجدید قرارداد شده است . از نتیجه تحقیقات در این روستا ، بر می‌آید که اختصاص یافتن شغل سلمانیگری به خانواده این دو سلمانی دو عامل زیر می‌تواند باشد :

۱- مهارت و تخصصی که لازمه کارهای پزشکی مانند دندان کشیدن ، ختنه کردن ، نیشتر زدن ، حجامت و بادکش کردن و غیره می‌باشد .

۲- روابط نزدیکی که در نتیجه همین کارها میان سلمانی و خانواده ها پیدا شده

است .

بنابه هر دو دلیل بالا که هر کدام اهمیت زیادی دارند ، عوض کردن سلمانی برای مردم ده مقرون به صرفه و صلاح نبوده است . حتی اهالی بعضی آبادیها و دهات نزدیک به ولیان که در گذشته سلمانی‌های ولیانی برای اصلاح سر و صورتشان و انجام کارهای طبی و غیره به دهاتشان می‌رفتند ، هنوز هم با وجود داشتن سلمانی های دیگر ، در مورد کارهای درمانی و پزشکی به سلمانی‌های ولیان مراجعه می‌کنند .

سلمانی ولیان در امر طبابت همراه آن دسته از پیرزنان که به طبابت سنتی می‌پردازند با خانواده‌ها نوعی محرمیت پیدا کرده است (۵) و با اسرار زندگی داخلی آنها در آمیخته است . یک پیرمرد ولیانی می‌گفت : " سلمانی محرم اسرار ما است ، مثلا " اگر زنم بخواهد دندانش را بکشد ، چه کسی غیر از او این کار را انجام می‌دهد ، " ولی ولیانی دیگری - می‌گفت : " سلمانی فضول است ، و خبر می‌برد و به همین سبب مردم کمتر حرفهای خصوصی خود را با او در میان می‌گذارند . " گر چه این دو اظهار نظر کاملا " با یکدیگر متضاد است ، ولی هر دو نمودار ارتباط گسترده و عمیق سلمانی با مردم است . به این لحاظ سلمانی با اینکه از قشر سفله و پائین ده بوده است ، بتدریج نسبت به کاسبکاران دیگر مانند چوپان و حمامی ، اهمیت بیشتری پیدا کرده و منزلت اجتماعی بالاتری یافته است و امروزه تاحدی از احترام عمومی برخوردار می‌باشد .

گر چه امروزه سلمانی تکه زمین زراعتی و باغ کوچکی برای تهیه نیازمندیهای خود دارد ولی جزو قشرهای باغدار و زمیندار ده محسوب نمی‌شود ، زیرا آن قطعه زمین و آن باغ کوچک در معاش زندگی او نقش مهمی ندارند .

در ولیان یک نفر سلمانی زن هم کار می‌کند که او نیز حرفه خود را از پنج پشت پیش به ارث برده است ؛ شاید به همان دلیل که در مورد سلمانی مرد گفته شد ، سلمانی زن از لحاظ نقش اجتماعی و داشتن وظایف آرایشگری و طبابت و برعهده داشتن وظیفه پذیرایی در مجالس عمومی ، مشابهت های زیادی با سلمانی مرد دارد .

۵- در قسمت " . . . اوستای دلاک را بگو ، مرد نظر پاک رو بگو ، تا بکشه دندونکم . . . " از مثل مشهور " یکی بود ، یکی نبود ، زیر گنبد کبود ، پیر زنه نشسته بود . . . " صفت " مرد نظر پاک " برای استاد دلاک (سلمانی) و نیز دندان کشیدن او ، از محرمیت سلمانی و شغل طبابتش در خانواده‌ها حکایت می‌کند .

سلمانی زن مامای ده نیز می‌باشد و برای این کار اهالی دهات اطراف ولیان هم به او مراجعه می‌کنند. گاهی حجامت و بادکنی هم می‌کند ولی در این کار مهارت چندانی ندارد. بادکنی را با استکان، پنبه مشتعل و خمیر انجام می‌دهد؛ به این ترتیب که یک لایه خمیر روی پوست بدن می‌گذارد و پنبه مشتعل را روی آن و دهانه استکان را هم روی پنبه فرارمی‌دهد. در اثر سوختن هوای داخل استکان پوست بدن با خمیر بالا می‌آید، بعد یکبار استکان را از جا می‌کند. خمیر را به این منظور به کار می‌برد که مانع سوختن پوست شود. از جمله دردهایی که سلمانی زن در معالجه آن تخصص دارد، معالجه "ناف در رفتن" زنان است که به گفته سلمانی نتیجه برداشتن بار سنگین است. برای معالجه ناف در رفته، روی ناف روغن می‌مالد و آن را به طرز خاصی می‌پیچد تا مریض بهبود یابد.

سلمانی زن هم مانند سلمانی مرد، از گروههای پائین جامعه روستایی ولیان محسوب می‌شود. تکه زمین مزروعی دارد که از آن بهره چندانی نمی‌گیرد. خانهای دارد که آن را هم خودش با رحمت دست و پا کرده است و موروثی نیست. شوهرش "عاشق" *Āšeq* یعنی مطرب دوره‌گرد بوده است. پسرش نیز با همین شغل بخشی از معاش زندگیش را تأمین می‌کند و اتفاقاً پدر دو سلمانی مرد نیز علاوه بر سلمانیگری، مطربی هم میکرده و "عاشق" بوده است.

تا هجدهه بیست سال پیش سلمانی‌های ولیان دکانی نداشتند و به خانه‌های مردم می‌رفته سز و صورت آنها را می‌تراشیده و اصلاح می‌کرده‌اند. امروز هم برای اصلاح سر و صورت کسانی که محترم ترند یا از کار افتاده‌اند و نمی‌توانند به دکان بیایند، سلمانی



داخل دکان سلمانی .
In the Barber Shop

به خانه‌شان می‌رود. از حدود بیست سال پیش سلمانی‌ها جای ثابتی برای خود دست و پا کرده و اکنون در دو دکان به شغل سلمانی‌گری مشغولند.

مزد سلمانی در ولیان، سالانه و فعلاً "پنج من گندم برای هر سراسر است (۶) یعنی برای هر کسی که سر می‌تراشد و اصلاح می‌کند. پسرها معمولاً از سن شش هفت سالگی که به مدرسه می‌روند در شمار مشتریان سلمانی‌فرار می‌گیرند. گاهی ممکن است به جای گندم چیزهای دیگر از قبیل توت و هیزم برابر ارزش پنج من گندم به او بپردازند. عده‌ای هم به جای مزد سالانه، هربار که به سلمانی مراجعه می‌کنند مزدش را نقدی می‌پردازند. مزد نقدی بین پنج تا بیست ریال متغیر است. در سالهای اخیر تعداد کسانی که مزد نقدی می‌پردازند زیادتر شده است. مزد ختنه نیز سی تومان و مزد دندان کشیدن پنج تومان است.

استقرار سلمانی در یک دکان و نیز تغییر یافتن تدریجی مزد سالانه جنسی به مزد فی المجلس و نقدی می‌تواند یکی از نتایج دگرگونی اجتماعی درده و توسعه اقتصاد روستایی مبتنی بر تولید زراعی، به اقتصاد شهری و راه یافتن پول در معاملات پایاپای روستایی باشد.

سلمانی زن هنوز هم جای ثابت شغلی ندارد ولی همیشه مزدش نقدی بوده است و برای هر نوبت آرایش بین پنج تا ده تومان مزد می‌گیرد.

سلمانی‌های ولیان در دهات و آبادیهای اطراف هم مشتریانی دارند و روزهای - معینی راه آن دهات و آبادیها می‌روند. البته بعضی از این دهات برای آرایش و اصلاح سرو صورت، از خودشان سلمانی دارند ولی چنانکه گفته شد در مورد کارهای طبی که مهارت بیشتری لازم دارد به سلمانی‌های ولیان مراجعه می‌کنند. برای مامایی هم به سراغ سیدخان سلمانی زن ولیان می‌آیند.

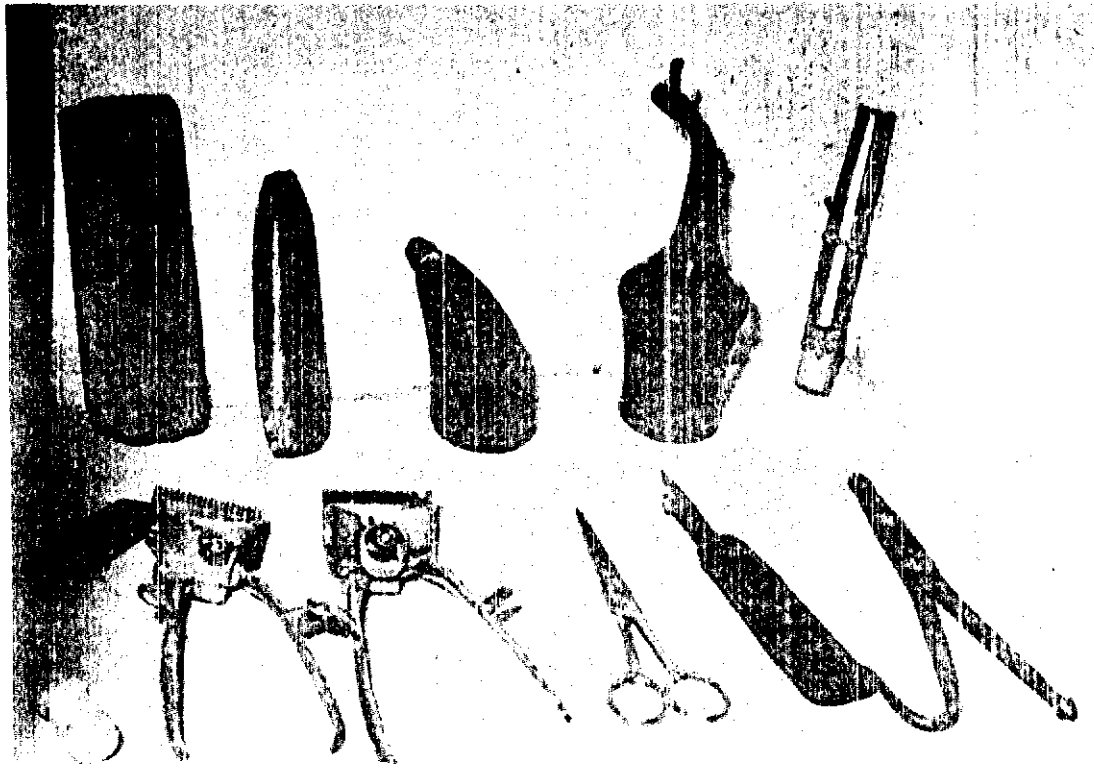
ابزار کار آرایشگری سلمانی در گذشته عبارت بوده است از "شانه چوبی" "قیچی (مقراض)"، "قل فلک - goigoiak" (قمقمه سفالین یا فلزی آب)، "آیه کوچک" "صلاب" (نوار چرمی است برای تیز کردن تیغ سلمانی) بجای صلاب از سنگ چاقو - تیزکنی هم استفاده می‌کرده‌اند، "صابون"، "تیغ مازندرانی" (تیغه چاقوی بدون دسته یا با دسته چوبی)، "کیف دستی چرمی"، "لنگ" یا "فوطه".

ابزار کارهای طبی سلمانی عبارت است از، "شاخ بادکش" (استخوانی باشبشه‌ای) "شاخ بادکش کوچک" (برای بادکش کردن پیشانی)، "نیشتر" یا "نیش"، "میل و قمیش ختنه" و "تیغ" (برای حجامت و ختنه).

برای تیز کردن ابزار برنده هم سلمانی از چرخ تسمه استفاده می‌کند.^۷

۶ - یک من ولیان در قدیم ۴۵ سیر بوده و "من نه عباسی" نام داشته است. ولی امروزه بیشتر سنگ کیلو که یک من آن برابر چهل سیر می‌باشد، معمول شده است.

۷ - عکسهای مقاله از آقای داوود قاسملوبی است.



سیمی را ابزارهای آرایشگری و طبیی سلمانی .

Some of the Barber's Barbering and Medical Equipment



A Wheel Belt

چرخ تسمه .